پژوهش دینی

شمارهٔ ۴۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۹
صص ۱۸۹ـ۲۱۰ (مقاله پژوهشی)

Pazhouhesh Dini

No. 41, Autumn & Winter 2020/2021

نقد این همانی روایت طوفان قرآن از روایت‌های پیشینی با رویکرد هرمنوتیک مؤلف بنیان

قاسم محسنی‌مری[۱]، سلیمان عباسی[۲]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۴/۱۲ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۵/۱)

چکیده

پنداره این همانی روایت‌های قرآنی در رویه‌های ناهمسان گزاره‌های توصیفی و توصیه‌ای از متـون پیشـینی، در درازنای تاریخ اسلام از سوی بدخواهان و ناباوران قرآن‌کریم نمودار شد. این گمانه در تنگنای انگاره ایدئولوژیکی ناباوران باهدف بی‌هویت نمایاندن آموزه‌ها و گزاره‌های قرآن کریم، با شیوه‌های گوناگونی پردازش گردید. پاسخگویی باورمندان قرآن در توالی زمانی، از جهت روشی همبسته با شیوه‌ای ادعایی آنان از سنخ ایدئولوژی بود. خیزش دانش تجربی و پدیدار شدن تئوری‌های نوین تجربی و فرافکنی آن در نگره‌های فلسفی و دینی، ادعای برگیری متن دیـن از نوشتار پیشینی در انگاره بینامتنیت جای گرفت. رهیافت نوین همه آموزه‌های قرآن کریم به ویژه روایت طوفـان را در گستره ساختاری و فهمی برگرفته از متون پیشین دانست. این جستار با سامانه روشی هرمنوتیک، روایت قرآنی طوفان نوح را در سطح متن، با مؤلفه‌های هرمنوتیکی مؤلف بنیان، در نسبت با متون اساطیری میان رودان و عهدینی، بررسـی و نقد نمود و با عناصر گفتمانی متنی، انگاره استقلال آن پردازش کرد.

کلید واژه‌ها: بینامتنیت، روایت طوفان قرآن، هرمنوتیک، میان رودان، عهدین

۱. مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، (نویسنده مسئول)؛ Goshadandish@gmail.Com
۲. عضو هیأت علمی دانشگاه جامع علمی و کاربردی؛ abbasi.51@gmail.com

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.9.0]

مقدمه

سرگذشت میان رودان تا قرن نوزدهم میلادی ناشناخته بود و آگاهی از آن محدود به حکایت نیمه افسانه‌ای نویسندگان یونان و نوشته‌های تورات بود، امّا با نویابی آثار باستانی این مناطق در این قرن، به شناخت رخدادهای این سرزمین کمک شایانی کرد. دیرینه شناسان (۱۸۵۳م) با دستیابی نسخه‌هایی از روایت بابلی‌ـ سومری اسطوره‌ی طوفان نوح در کتابخانه‌ی آشوربانی پال (۶۶۸ـ۶۲۶ ق.م) در پایتخت آشور(نینوا) با پیشینه قرن هفتم پیشامیلاد، اطلاعاتی فراهم کردند و درآغاز، این پژوهش‌ها جنبه باستان‌شناسانه و انضمامی داشت، که پس از رمزگشایی خطوط درج شده در الواح، این پژوهش‌ها جنبه‌شناختی در بعد اسطوره‌ای و دینی پیدا کرد. ترجمه‌ی متون یافته شده به دست زبان‌شناسان این امکان را فراهم کرد که تمامی گزارش‌های یادشده درباره آفرینش انسان، اسطوره گیلگمش، اسطوره‌ی طوفان نوح با روایت عهدین مقایسه شود.[۱] یافته‌های جرج اسمیت[۲] (۱۸۶۲م) و رمزگشایی از لوح یازدهم منظومه گیلگمش، شباهت روایت طوفان این لوح با روایت طوفان در سفر پیدایش بازخوانش شد. (وکیلی، ۱۳) یافته اسمیت آغازی برای نظام گفتمانی نوین در قرن نوزدهم بود که از شباهت روایی طوفان نوح در کتاب مقدّس با یافته‌های میان رودانی، این همانی روایت برداشت گردید و با فرافکنی[۳] در روایت طوفان قرآن‌کریم به عنوان متن پسینی، آن را هم برگرفته از روایت میان رودان و عهدین دانسته شد. به نظر می‌رسد این خوانش کنشگری ویژه مؤلف و سایر عناصر و مقومات متنی را در آفرینش متن نادیده انگاشته است. در این راستا سوال این جستار چنین صورتبندی می‌شود:

الف- با فرض مشابهت یا تداعی روایت طوفان قرآن با متون پیشینی، می‌توان تأییدی بر نظریه این همانی باشد؟

---

۱. کتاب "اساطیر خاورمیانه" از هنری هوک و کتاب "فرهنگ اساطیر آشوری و بابلی" از جمعی نویسندگان با کنار هم قرار دادن روایت بابلی ـ سومری و کتاب مقدّس آن را از یک منبع دانسته و علت وجود این روایت را در کتاب مقدّس اقتباس از گروه‌های عبری ساکن بین النهرینی و شمال عربستان یاد کرده است.

2. George Smith
3. Projection

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.9.0]

ب- با کاربست عناصر قوام بخش هرمنوتیک مولف بنیان، نقد نظریه بینامتنی روایت طوفان قرآن کریم در نسبت به متون پیشینی چگونه خواهد بود؟

فرضیه کاربستی این جستار هرمنوتیک مؤلف بنیان است. بر این اساس، برای فهم و تفسیر روایت‌های ناهمسان از یک حکایت یا متن آگاهی از مراد و مقصود گوینده متن در ایجاد و تعیین بخشی متن اهمیت دارد که فرآورده این پدیده، تقویت این انگاره است که هر روایت و نقل جدید به مثابه یک حکایت یا متن جدید و متفاوت با نقل‌های پیشین می‌باشد. حکایت نوین به عنوان اثر اصیل و بدیل از روایت‌های قبلی یا اولین- حتی در صورت یکسان بودن ساختار و شکل روایت - به دلیل تکون آن در بستر زمانی و مکانی ناهمسان و دارا بودن سایر مولفه‌ها بسان، تجربه زیسته، موقعیت روان‌شناختی، قصد و نیت که از عناصر قوام بخش یک متن هستند، صورت می‌پذیرد. افزون بر آن دگردیسی‌های (تغییرات) عناصر موجود در روایت در نسبت با متون پیشینی ناشی از زاویه دید[1] (که ابزار راوی و روایت‌گری است)، موقعیت روان‌شناختی، نوع تجربه‌ی زیسته، با رفتار و ایدئولوژی روایت‌گر، انگاره این همانی متن را سست می‌کند.

ضرورت و پیشینه تحقیق

پژوهش حاضر افزون بر بهرهمندی از رهیافت مؤلف بنیان و عناصر همبسته به آن با تبیین الگوی گفتمانی (خداشناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی) ویژه قرآن، در پی استقلال و خودبسندگی روایت طوفان قرآن‌کریم در نسبت به نگره این همانی (بینامتنی) از روایت‌های پیشینی است.[2]

---

1. prespeactive

۲. نوشتار با پندار یگانه‌انگاری روایت قرآن کریم از متون پیشینی در میان برخی پژوهشیان (خاورشناس) با انگیزه‌های ناهمسان بسان باوربه گستره عناصر دینی خود به عنوان حوزه فرهنگی‌زا یا و آموزه‌های دین اسلام به عنوان برساخته و وابسته به عناصر دینی‌شان، بازتولید شد. (آبراهام گایگربا نگارش کتاب محمد از متون یهود چه چیزی را گرفت؟ کاتلر توری با نگارش کتاب‌هایی بسان "محمد وتلموت و اصل یهودی در اسلام"، "زمینه‌های توراتی و تلمودی قرآن وتفاسیر و کتاب یهودیت و اسلام" و کتاب کرامر، با عنوان "کشف یهودی اسلام"و آبراهم کاتش با نگارش کتاب "یهودیت در اسلام، سابقه انجیلی و تلمودی قرآن" با روش حداکثری به←

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.9.0]

مفهوم‌شناسی هرمنوتیک

مفهوم هرمنوتیک از فعل یونانی hermeneuein (تفسیر کردن) گرفته شده و از جهت ریشه‌شناسی با واژه هرمس، خدای یونانی و پیام‌آور که پیام را به مخاطبان می‌رساند، هم پیوند است. هرمنوتیک به عنوان مجموعه قواعد تفسیری ابتدا در سال ۱۵۶۷ (م) به دست فلاسیوس مطرح گردید (گروندن، ۷۲) و در ادامه با رهیافت روشی[1] به عنوان فن مطرح شد و در قرن نوزدهم این رهیافت به هرمنوتیک روش‌شناختی[2] تغییر یافت (مک گراث، ۱۶۸) به‌چگونگی کاربست روش‌های تفسیری محدود شد. هرمنوتیک در فرآیند به شناخت عقلی روش‌ها و مطالعه علمی انجامید و فرآورده آن دستیابی به نظریه تفسیر مبتنی بر مبانی عقلی گشت. (واعظی، ۱۵) هرمنوتیک در روند رشد و بالندگی با اصطلاح فراگیر که ریشه در هرمنوتیک کهن یا سنتی دارد و خاص یا مدرن که پیشینه آن به قرن هیجدهم می‌رسد، همبسته شد. هرمنوتیک کهن، دستیابی به معنای اصلی و نهایی متن براساس مراد ذهن مولف را هدف قرار داد (احمدی، ۳۵۷) که با ظهور هرمنوتیک فلسفی هایدگر و گادامر راه برای ساختار شکنی از متن و شرایط لازم برای هر گونه فهم باز کرد (پالمر، ۴۱) که به دنبال این پرسش بود که فهم چگونه تحقق مییابد نه این‌که می‌توان به فهم درستی دست یافت. (واعظی، ۲۱۱) این گفتمان هرمنوتیکی به دلیل گسست کامل از معرفت شناسی دینی رهیافتی برون دینی را در پیش گرفت.

← برگرفتگی پرداختند) دانشیان اسلام با دریافت این نظام گفتمانی، در طول تاریخ با سویه‌های متعدد (زیبایی‌شناختی، بلاغت و فصاحت و کلامی) به آن پاسخ دادند. نوشتار در این گستره با انگاره‌های نوین پی‌گیری شد. مقاله «جستاری در کلان متن قرآن کریم براساس باز تعریف بینامتنیت» (پژوهشنامه معارف قرآنی، ۶۱-۷۶) با رهیافت بینامتنی، جنبه‌های فهمی متن و ساختار زبانی قرآن کریم را در نسبت به متون پیشینی بررسی کرد. در ادامه جستار «تغییر معنایی در واژگان قرآن و بررسی بینامتنی قرآن با شعر جاهلی» (پژوهشهای قرآنی، ۳۰-۴۹) ساختار قرآن‌کریم را در یک بافت تاریخی- فرهنگی دانسته و فهم آن را در پیوند تاریخی و روابط بینامتنی با اشعار و متون ادبی تلقی کرد. نوشتارهایی بسان «تحلیل تطبیقی طوفان نوح در تورات و قرآن» (پژوهشنامه تفسیر وزبان قرآن، ۵۹-۷۴)، «بررسی تطبیقی داستان نوح تا شروع طوفان در قرآن و سفر پیدایش» (پژوهش دینی، صص ۵۱-۶۰) و «طوفان نوح در اسطوره‌های سومریو بابلی و مقایسه آن با تورات و قرآن» (معرفت، ۳۹-۴۷) تحلیل تطبیقی روایت طوفان نوح در قرآن با متون پیشینی برای دریافت همسانی و ناهمسانی‌های عناصر موجود در روایات و وجوه شباهت و تفاوت داستان با نگره عینی و انضمامی تاریخی - دینی نمونه‌ای از پردازش روایات طوفان است.

1. Methodical hermeneutics
2. Methodological hermeneutics

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.9.0]

بررسی هرمنوتیک مؤلف بنیان

شیوه هرمنوتیک نگارنده محور در پی فهم معنای هم‌بسته با ذهن آفریننده اثر است که شنیدن آوای ویژه مؤلف به عنوان خداوندگار متن و بازسازی همه مؤلفه‌ها در پیوند با آن با رفتار اجتماعی و فرهنگی، شرایط روانشناختی و تجربه زیسته مولف تعیین بخش معنای متن دانسته شد. در این بصیرت هرمنوتیکی، آواهای متن در پیوند با آفریننده متن است، و متون با آفریننده‌های متفاوت، در واگرایی یکدیگر بوده که آوای استقلال از آن شنیده می‌شود. در این نظریه تعیین معنایی هر متن همبسته با آشکارگی مراد مولف و آگاهی از قصد مؤلف است. این انگاره پر آوازه و پر سابقه در زمینه معنای متن، مولف را آبشخور معنای اثر دانسته که حدود آن را تعیین میکند. این دیدگاه در قلمرو تفسیر کهن امری حیاتی در باز فهمی متون محسوب میشده است و تفسیر مطلوب در خوانش متن، دست‌یابی به نیت و مقصود مولفان آن هاست. این انگاره به قصدگرایی[1] و ایدئولوژی مولف[2] که در اصطلاح معناشناسی به نظریه قطعیت به نیت مولف شناخته می‌شود. (فضیلت، ۶۵) در ادامه بازنمود کوتاهی از این شیوه هرمنوتیکی براساس دیدگاه برخی مبدعین آن پی‌گیری می‌شود.

هرمنوتیک شلایر ماخر[3] در پی خاستگاه اصلی متن است. وی با نگاهی تاریخی به مؤلف بهره‌مندی از روش شناسی‌های رایج زمان خود و قواعد تفسیری کوشید ساختار و پیش نهاده‌های متن را بفهمد و پیام مؤلف را دریابد. او از خوانش‌گر متن می‌خواهد که برای دریافت مناسب از متن، افزون بر تأمل نحوی که به ویژگی‌های زبانی و بیانی متن می‌پردازد به تاویل روانشناختی و مجموعه‌های اندیشه‌های مولف در شرایط زمانی خاص نیز توجه کند (Schleiermacher, 1998, p. 158) و با بازساز ی دنیای ذهنی مولف و نیت او از ورای زبان‌های گذشته دریابد. (پالمر، ۹۵) ماخر با رویکرد روش‌شناسانه، سنت‌های زبان‌شناسی تحلیل متن، شاخصه زبانی متن ادبی و با سویه‌های تاریخی بودن شیوه دریافت تاویل‌گر در جستجوی فهم بود. از مهمترین کاربست اندیشه ماخر، حرکت از

1. intentionalism
2. Theidology of the author
3. Friedrich daniel Ernst Schleiermacher–

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.9.0]

هرمنوتیک خاص به هرمنوتیک عام است. زیرا در باور او تنها متون مقدس در تکون خود در حصار تاریخی‌ای نبودند بلکه تمام متون فرهنگی، زبانی بوده و از اصول و قواعد زبانی برخوردارند و برای شکل دادن معنا از این اصول پیروی می‌کنند. (پالمر، ۹۵)

ماخر فهم یک اثر را باز تولید و بازسازی فکر صاحب اثر دانسته که باید فضای تاریخی و اجتماعی نگارش اثر که در ذهن نویسنده و در زبان متداول زمان او تاثیر بسزایی دارند، بازسازی شوند و افزون برآن باید تلاش کرد تا شخصیت، تفرد و نیت مولف از تدوین اثر معلوم شود. این بازسازی عام از طریق تفسیر دستوری و روانشناختی حاصل میشود. زیرا سخن با دو حوزه در ارتباط است؛ نخست حوزه زبان و مجموعه زبانی که متکلم با آن سخن میگوید و میان او با دیگر افراد هم زمان و هم زبانش مشترک است. و دیگر این‌که با تمام قصد، فکر، شخصیت و زندگی مولف هم آوا است. تفسیر دستوری فهم سخن در مقام یک محصول زبانی است و تفسیر روانشناختی فهم سخن در مقام حقیقتی است که در وجود گوینده موجود است. (Ibid;8) با الگو واره ماخر مولف در فراشد آفرینش اثر در حالت روان شناختی ویژه است که برای انتقال معنا از عناصر نشانگی فرهنگی عصری بهره داشته، و هر کدام از این عناصر در پیوست پدیده زمان و مکان و مولفه‌ی زبان دستوری، حضور فراگیری از اجزا را در متن سامان می‌دهند که آن را در نسبت به متون دیگر مستقل جلوه می‌دهد.

اما هرمنوتیک ویلهلم دیلتای[۱] با طرح فهم به عنوان روش علوم انسانی، بنیان فلسفی و روش‌شناسی مطمئنی برای علوم انسانی فراهم کرد. این فهم از طریق همدلی روان‌شناسی صورت گرفت. وی با برداشت خاص از علوم اجتماعی، این پیش انگاره را در علوم اجتماعی و فرهنگی را داشت که براساس آن، انسان نوعی قابلیت برای جایگزین کردن

---

۱. Willhem diltey فیلسوف آلمانی و از پیشگامان هرمنوتیک روشی (1833-1911) است. وی با تمایز مطالعه علوم طبیعی و علوم انسانی (نیتون و کرایپ، ۱۹۸) بنیان معرفت‌شناختی مستدلی را در علوم انسانی ایجاد کرد و پدیده‌های طبیعی به لحاظ وجودی، تک ساحتی و پدیده‌های علوم انسانی و تاریخی را از سرشتی ترکیبی دانست و انسان علاوه بر شناخت لایه‌های بیرونی شخصیت که موضوع علوم تجربی‌اند، لایه درونی از عهده این علم خارج می‌باشد را فلسفه حیات نامید (واعظی، ۱۰۶۷).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.9.0]

زندگی خود در زندگی روانی دیگران را دارا است و در فهم متن، مفسر خـود را در جـای مولف قرار دهد و خود را از شرایط تاریخی خـود خـارج کنـد و در چـارچوب موقعیـت تاریخی مولف قرار دهد. (کاربای، ۱۱) انگاره دیگر در هرمنوتیک دیلتـای، مفهـوم تـاریخ مندی است که گستره‌ی دامنه‌ی هرمنوتیک وی را فراتر از شلایر ماخر قـرار داد و فهـم را همبسته با معرفتی از زبان، زمینه‌های متن و ذهنیت آفریننده اثر محدود کرد. در انگاره وی فهم جزئی از عناصر درونی جریان زندگی انسان است و فهم را مقوله زنـدگی نامیـد زیـرا مردم پیوسته در موقعیت‌های مختلف اجتماعی قرار دارند و درک این موقعیت‌ها و اتفاقـات برای فهم ضروری است. (نیوتون، ۱۸۵) به باور وی همـان‌گونـه مـتن گفتـاری و مکتـوب تجلی مقاصد و اندیشه‌های نهفته‌ی مولف و گوینده آن‌هاست، افعال و حـوادث نیـز تجلـی ظهور نیات و اندیشه‌های آفرینندگاه آن‌هـا اسـت. از رهگـذر همـین تجربیـات و عینیـت یافتگی هاست که میتوان به معنای نهانی در درون زندگی آنان دست یافت. بر ایـن اسـاس هرمنوتیک دیلتای بر مثلث سه گانه؛ تاریخیت، تجربه‌ی زیسته و عینیت معنای متن اسـتوار می‌باشد و فهمنده متن باپشتوانه این مولفه‌های سه‌گانـه و فرافکنـی در پـی بـازآفرینی یـا بازسازی تجربه زندگی مولف، خواهان عینی بودن معنـای مـتن اسـت و مولـف در علـوم طبیعی در مقام رابطه علی و معلولی پدیده‌ها و یا در علوم انسانی در جایگاه فهم نسبت بـه هستی (دیلتای، ۳۴۳) اقدام به ایجاد اثر یا آفرینش متن کند در خوانش وی، اثری منحصـر به فرد و یگانه می‌باشد.

به باور دیلتای سویه‌های فهم مراد مولف در ارجاع به متن، نخست ایـن کـه مولـف بـا بهره‌مندی از نشانه‌شناسی زبانی و مدارک پیوسته به متن که به نوعی به دسـت خـود مـتن پشتیبانی می‌شود مراد خود را در متن بازتاب داده است و خوانش‌گر با ارجاع به مـتن بـه باز تولید معنای متن بر اساس مراد مولف میپردازد؛ اما سویه دیگر این‌که پدیدآورنده‌ی متن با علائم نشانگی زبانی نتوانسته مقصود خود را در متن بیان کند که در این‌صورت، مـتن او سند کافی و گویا بر نیت او نیست و منتقد ناچار باید برای یـافتن مـدرکی در مـورد نیـت

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.9.0]

مؤلف به خارج از متن بنگرد. (کوزنزی، ۹۸) در این صورت بـا متنـی مواجهـت شـده کـه احتمال معنایی متعدد دارد و آن‌چه به خوانش‌گر کمک می‌کند تا بتواند معنای مراد مولف را با شواهد فرامتنی یا داده‌های بیرون متنی دریابد، زمینه[۱] است.

بر این اساس فرآورده هرمنوتیک مولف بنیان این است که نقل هر حکایت، خود حکایتی مستقلی می‌باشد و تأثیرمنش گوینده، تجربه زیسته و کیفیاتی که حکایـت را در چـارچوب و زمینه جدید قرار می‌دهد، میتواند آن را به حکایت دیگر تبدیل می‌کند گرچه از نظر صورت و ساختار تفاوت نکرده باشد. به بیانی، نقل حکایت، حکایتی است. (موسی‌پور، ۹۶)

طوفان نوح در رهیافت بینامتنیت[۲]

بینامتنیت در معنای درهم آمیختن[۳] یا درهم بافتن[۴] نمایشگر تکون یافتن هر مفهـومی از مولفه‌های متنی مختلف در یک متن پسـینی و بـازخوانی آن اسـت. در ایـن نظـام روایـت طوفان و رویدادهای آن در متن قرآن، با کاربست انبـوه واژگـانی اسـت در رویـارویی بـا حوادث و دریافت ژرف خواننده این متن، به شـبکه‌ای متـون پیشـینی- اسـاطیری و نیمـه اساطیری- می‌کشاند و هربار یکی از آن رخدادها را در نظر می‌آورد. و در هرمورد از ایـن بازگشت‌ها و ارجاعات و جایگزین کردن مـتن قبلـی بـا بعـدی، توسـعه‌ای در مـتن روی می‌دهد که ناشی از جایگزینی/ جایگشت[۵] گذر از نظام نشانگی پیشـین بـا نظـام نشـانگی پسینی – متون متعدد است. در این موقعیت بینامتنی، نیازی به ارجاع منبع خاصـی نیسـت، بلکه نقل و قول‌های بدون گیومه است. (Barthes, 160) در پس نظام جایگشت، معنای متن نیـز توسـعه مـی‌یابـد و عمـل معنایـابی بـا امکـان‌هـا تـا بـی‌نهایـت ادامـه مـی‌یابـد. (Ibid:146) بر این اساس تمامی روایت‌ها در رابطه بینامتنی با یکدیگرند ولی این بـه ایـن معنانیست که از همدیگر برگرفته‌اند.

---

۱. context زمینه از نظر دانشیان هرمنوتیک، افزون بر کلمات و ساختار متنی، شامل ساحت‌های اجتمـاعی، تـاریخی، روان شناختی و محیط فرهنگی صدور متن است.

2. Intertextuality
3. intermingling
4. interweaving
5. transposition

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.9.0]

داستان نوح در فرآیند هم حضوری (بینامتنی) با متون پیشنیی، در شأن جایگشتی به بازتولید تخریبی[1] یا تقویمی[2] متن می‌پردازد و در حوزه معنایی نیز به توسعه معنایی این روایت می‌پردازد. در این انگاره خوانش روایت طوفان به دنبال جذب و در خود کشیدن و دگرگونش متون پیشینی است. البته باید توجه داشت رهیافت بینامتنی از جهت وجود شناختی در حوزه خاستگاهی، به مبدا آغازین آفرینش روایت نمی‌پردازد و این زنجیره برای تمامی متون از جهت بودگی در متن ادامه دارد. به این دلیل متون اساطیری- میان رودانی - و نیمه اسطوره‌ای - عهدینی - به عنوان خاستگاه متن روایی طوفان قرآن فرض نمی‌شود بلکه خود این متون در پیوند با متون پیشینی خود می‌باشند. روایت طوفان در گفتمان بینامتنیت، فرآورده‌ای مبتنی بر حوزه بندی[3] دوباره گفته‌های پیش از خود، با نظام نشانگی جدید در رویارویی با نظام نشانگی پیشین است در این تعبیر آفریننده متن با شاخصه‌های روان شناختی و رانه‌های خاص مقید به قصد و نیت نیست، بلکه به عنوان بازنویس در خوانش دائمی بافضای متنی پیشین، به فرآوری[4] و باز تولید متن با نظام جایگشت میپردازد. (غیاثی، ۹۹-۱۰۵)

روایت طوفان به مثابه متن

روایت‌ها به‌طور عمده در دو سطح قابل پردازش است. نخست در سطح داستان که نیاز به روش‌شناسی و معرفت‌شناسی رایج در دانش‌های عینی و انضمامی (بنابر ماهیت و فلسفه وجودی آن در زمره روایت تاریخی و واقعی) است که در پیوند با اطلاعات و دانش دیرینه‌شناسی می‌باشد. سویه دیگر آن روایت در سطح گفتمان یا متن است که روش شناختی آن هرمنوتیکی و قواعد همبسته به آن می‌باشد. روایت در این سطح نوعی بازخوانی داستان براساس زاویه دید راوی در پیوند با عناصر روایت‌شناختی که در پی بیان ایدئولوژی یا سبک خاص در حوزهای متفاوت باوری، اخلاقی، روان‌شناختی، فلسفی و

1. Constructive
2. Destructiv
3. redistributive
4. Production

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.9.0]

دینی می‌باشد. (مارتین والاس، ۵۸؛ حری، ۹۶-۹۸؛ اخوت، ۴۱) این‌گونه روایت‌گری به دنبال سازواری زمانی رویدادها با امور عینی به صورت گاهشمارانه و خطی نیست بلکه با توانمندی در روایت‌گری از انعطاف‌پذیری در نقل داستان با قابلیت فشردگی یا گستراندگی و یا از شاخصه‌های عقب یا جلو بردن رویدادها در روایت‌گری برخوردار است. با این رهیافت روایت طوفان به مثابه متن و کهن الگو با عناصر تکرار شوند (خشم خدایان، عذاب انسان، ساخت کشتی و نجات یافتگان) با چشم‌انداز باوری ویژه خوانش شده است.

هرمنوتیکی مولف محورانه فهم روایت طوفان (در نقل‌های متفاوت میان رودانی، عهدینی و قرآنی) را بر پایه عناصر پیش‌گفته بررسی کرده و بیان می‌دارد که آفرینندگان آن روایتها در شریط روانی فردی، (نظام باوری، احساسات و عواطف و خواسته‌ها) موقعیت اجتماعی، تاریخی و کنش اندیشیدگی خاص قرار داشته و روایت‌ها به مثابه اثر ادبی در پیوند با شرایط آنان سامان یافته است. صاحبان متن نیز در موقعیت باوری گوناگون بسان انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و خداشناسی ویژه دوران خود قرار داشته و با بهره‌مندی از این نظام گفتمانی در ایجاد، باز تولید و یا دگردیسی (تغییرات) متن کارکردی بی‌بدیل داشته و اثر را با زوایای دید ویژه خود روایت کردند.

اسطوره طوفان در تمدن بابل

بازخوانی روایت طوفان در تمدن بابل همبسته با داستان حماسه آفرینش است. انومالیش[۱] مشهورترین اسطوره آفرینش اقوام سامی در دوران پیشاتوراتی است. این اسطوره شکل اکدی شده از یک روایت بسیار قدیمی – سومری – است که در بستر اقوام ساکن میان رودان تدوین شده است. (وکیلی، ۱۳۷) گستره هستی‌شناختی بابلی در پیوند با ایزدان، طبیعت و انسان می‌باشد. این حماسه، در هفت فصل سامان یافته است که شش فصل اولین آن درباره آفرینش هستی و خدایان است و فصل آخر آن در مورد آفرینش انسان می‌باشد. (وکیلی، ۲۵-۲۶)

۱. حماسه آفرینش بابلی – انومالیش– در قرن نوزدهم در کاخ آشور بانیپال یافت شد و رهیافت نوینی از انسان کهن را در نسبت به آفرینش هستی گشود.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.9.0]

آفرینش در این نظام به صورت بازآفرینی، مقلدانه و تکرارپذیر از عناصر مینوی به شکل آیینی می‌باشد. (شایگان، ۱۴۰-۱۴۴) پیکربندی عناصر کیهانی مطابق شکل گیتیانه (دنیایی) است. خدایان در اشکال و اوصاف انسان وارند و بسان آدمیان برای رسیدن به جایگاه و خویش کاری، ستیز می‌کنند. هرچند نامیرایی در روایت سومری از ویژگی‌های مینویان است در الگوی انومالیش، خدایان در نبرد کشته می‌شوند؛ و آفرینش آسمان و زمین و حتی انسان، نوعی دگردیس شده و بازتولید خدایانند. در این فرم (شکل) گفتمانی طبیعت و انسان دارای بن مایه‌های قدسی می‌باشند. (هوک، ۵۹) در این روایت بسان روایات پیشا بابلی آدمی هستی یافت[1] تا کارگزار ایزدان و یاریگرشان در فرمانبری بر تیولشان باشد.

روایت بابلی طوفان در فصل نهم تا یازدهم حماسه گیلگمش سامان یافته است. گیلگمش مردی با دو جزء خدایی و یک جزء انسانی دارای صفات خردمندی و دانشی است (همانجا، ۴۸) که برای دستیابی جاودانگی و بی‌مرگی در سفری با قهرمان طوفان (اتناپیشتیم) برخورد می‌کند واز زبان وی پدیده طوفان را روایت میکند. ایزدان– آنو، انلیل و نینورتا – اندیشیدند طوفانی ایجاد کنند و نسل آدمی را نابود سازند اما دلیل این تصمیم مشخص نیست. ائا (EA) با حضورش در گردهمایی خدایان به حال آدمیان دل سوزاند و راز خدایان مبنی نابودی بشر را به کلبه «نئین» برد و همان‌طور که ائا خواسته بود، این راز در اختیار اوتناپیشتیم قرار داد. (منشی‌زاده، ۹۴)

اوتناپیشتیم به فرمان ائا کشتی می‌سازد و آن را قیر اندود می‌کند و همه داشته‌ها از زر، سیم، دانه‌ها، زنان و کودکان و کسانش را برکشتی می‌نشاند و چهار پایان بزرگ و کوچک را به درون کشتی می‌برد و صنعتگران از هر حرفه‌ای را با خود همراه می‌کند و طوفان در زمان مقرر آغاز شد. «اداد» ایزد باران و طوفان، باران سیل آسایی نازل کرد و «نرگال[2] ستون‌های دروازه‌هایی که جلوی آب‌های اقیانوس را می‌گیرند از جا می‌کند. «آنو» مشعل را برداشته و زمین را شعله‌ور می‌سازد. (همانجا، ۹۵)

---

۱. در این روایت، مردوک (Marduk) معجزه‌ای انجام می‌دهد و از خون یکی از خدایان انسان را خلق می‌کند. (مک‌کال، ۸۰)
2. Nergal

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.9.0]

طوفان به مدت شش روز و شش شب ادامه یافت و در روز هفتم کشتی بر بالای کوه نیسر[1] نشست. اوتناپیشتیم بعد از رهایی از طوفان برای خوشایندی ایزدان قربانی می‌کند و ایزدان از بوی مطبوع قربانی چون سگان گردد قربانی جمع می‌گردند. ایشتار گردنبند لاجوردی خود را بلند می‌کند و به سوگند یاد می‌کند که این رویداد را فراموش نخواهد کرد. وی انلیل را به خاطره این واقعه که باعث نابودی قوم او شده نکوهش می‌کند. انلیل به این اجتماع می‌پیوندد و از این‌که یکی از آدمیان از این حادثه زنده مانده است خشمگین میشود. «نین هورتا[2]، ائا را به خاطر افشای راز طوفان سرزنش می‌کند. ائا پس از آن از اوتناپیشتیم نزد انلیل شفاعت می‌کند و انلیل آرام می‌گیرد و برای اوتناپیشتیم و همسرش دعا می‌کند و به آن‌ها بسان خدایان بی‌مرگی و عمر جاوید می‌بخشد. انلیل مقرر می‌دارد که اوتناپیشتیم در کنار رودخانه دیلمون ساکن شود. (ساندرز، ۱۱۳-۱۱۴)

با رهیافت بینامتنی و هم‌حضوری متون میان رودانی شاید بتوان حدس زد که چرا خدایان برای بشر فاجعه آفرین شدند. براساس روایت انومالیش، هدف از آفرینش آدمیان خدمت به خدایان و انجام امور گیتیانه و کاستن رنج خدایان در امور معاششان تعیین گردید، و کنش‌گری آدمیان در این نظام گفتمانی تعریف شد؛ که انتظام گیتی در نسبت با امور مینوی براساس الگوی ازلی باشد. این هدف و کنش‌گری انسانی درون مایه تکرار شونده در همه کهن الگوهای میان رودانی است. اما گسست (جدایی) آدمی از امر قدسی، زیاده خواهی آدمی در مولفه‌هایی که مربوط به امر مینوی (آسمانی) که اختصاص به خدایان دارد، بیرون رفتن از سرشت جمعی کیهانی (آسمانی)، آیین مناسکی و الگوی مثالی و ازلی، خشم خدایان را بر انگیخت و مجازات ایزدان را اجتناب‌ناپذیر کرد. این تحلیل در مورد باشنده (نجات یافته) اصلی طوفان – اوتناپیشتیم – هم سازگاری دارد که مورد حمایت ایزدان قرار می‌گیرد. این رهیدگی از خشم خدایان در اساطیر کهن چیزی جز همسویی با نظام قدسی و رعایت قانون کیهانی نمی‌باشد.

1. Nisir
2. Ninhurta

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.9.0]

روایت طوفان در تورات

روایت طوفان در تورات همبسته با خداشناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی آن قابل دریافت است. مبانی وجودشناختی خدا در تنخ با دو سویه خدای انضمامی (عینی) و انتزاعی (ذهنی) قابل دریافت است. خدای انسان‌وار و دارای صفات لمس کردن، نشستن و چهره انسانی که خود را بر پیامبران می‌نمایاند. (پیدایش، ۱/۱۸-۱۵؛ خروج، ۱۱/۳-۲۳) تصویر انسان‌وارانه خدا در تنخ به گونه‌های متفاوت روایت شده است. (پیدایش، ۸/۳-۹؛ ۱/۱۷-۲۲؛ ۶/۱۲-۷؛ ۱۲/۲۸-۱۳؛ تثنیه، ۴۰/۳۲؛ خروج، ۲۰/۳۲-۲۳؛ حزقیال، ۶/۱-۷ و زکریا، ۱۴/۴) خوانش خدای طبیعی، انضمامی و انسان‌وار، نمایش‌گر هم حضوری و هم‌کنشی مسالمت‌آمیز خدایان در میان اقوام و ملل سامی و عبرانی است. (جان‌ناس، ۴۸۷) در خوانش دوم تنخ، روایت خدای انتزاعی، یگانه و بی‌صورت را بیان میدارد. بسان؛ یهوه خدایی است و غیر او خدایی نیست. (سفر تثنیه، ۴۰/۴؛ همانجا، ۶/۴؛ اشعیا، ۴۵/۲۱؛ خروج، ۲۰/۵؛ خروج، ۱۵/۱۱؛ ملاخی، ۶/۳). (سفر خروج، ۱۶/۲۴؛ اشعیا، ۹/۴۲؛ سفر لاویان، ۴۵/۱۱-۴۶؛ سفر خروج، ۱۶/۲۴؛ تثنیه، ۳۱/۴ و ۱۵-۱۶؛ مزامیر، ۷۶/۴؛ اعداد، ۲۵/۶ و ارمیا، ۱۷/۳۲) چنین صورت‌بندی خدا در تورات بسترساز خوانش‌های متنوع در میان الهیدانان یهود شد.[۱] به هرروی خدا یهودیان، دارای نام‌های متعدد- ال[۲]، الوهیم[۳]، ادونای[۴] و

---

۱. درپندار برخی الهی‌دانان یهودی و مسیحی، گزارهای روایی انسان وار مربوط به خدا در تورات، به دلیل محدودیت‌های زبان انسانی است که برای بیان حقایق دینی، ناگزیربه استفاده از کاربردهای فرعی زبان بسان استعاره، نمادین و تمثیلی شد. (تیلیش، ۶۹- ۷۰، آلستون و دیگران، ۴۰ و۵۷-۵۸)

۲. ال(El): رایج‌ترین و کهن‌ترین نامی که همه اقوام سامی بر خدا نهاده‌اند که به «شخص نیرومند» یا «حاکم» تفسیر می‌شود. (Hastings, James, 299) این واژه در زبان اکدی «ایلو» یا «ایلوم» در زبان‌های کنعانی و آرامی ال یا «ایل» خوانده شده است. (Hartman, L, 672)

۳. الوهیم (Alohim): خاستگاه این واژه را (ایلیم) کنعانی دانسته‌اند. (المسیری، ۶۷) الوهیم را جمع ال نام عبری خداوند دانسته که در معنای قادر و امین است که به نیروهای نامرئی و غیبی اطلاق می‌شد. (st. Elphege, A. J. (Mass, 871

۴. ادونای (adonai): کاربست آن در کتاب مقدس برای اشاره به اقتدار انسان و در معنای «سرور»، «ارباب» یا «مالک» است. (Hartman, L, 674)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.9.0]

ال شدای[۱] و یهوه[۲] – به همراه معانی وکارکرد متنوع در روایات تنخ ظهور یافته است.

تنوع خدایان انسان‌وار و خوانش اسامی متعدد از خدا در تورات این تئوری تقویت می‌گردد بنابر خوانش یونانی مابانه، روایت طوفان هم در پیوند با خداشناسی تمثیلی است. زیرا خدای رویداد طوفان با روایت‌گری تنخ، خدای انسان‌وار و طبیعی می‌باشد که در نسبت با روایات اساطیری در تجربه زیسته جدید تکون یافت، و خود یک اثر روایی جدید دانسته می‌شود. اما در خوانش تفسیرگرایانه نوین به صورت نمادین صورت‌بندی گشت. این رهیافت نمادانگارانه که در اثر محدویت‌های زبانی ایجاد شده، در معنابخشی و تفسیر روایت طوفان هم لحاظ می‌گردد. به عبارتی این هم حضوری خدای تاویلی تنخ همبسته با روایات مرتبط با آن است؛ در این صورت روایت طوفان به عنوان یکی از روایات تورات با تاویل نوین، هویت و معنای جدیدی می‌یابد، که خود یک روایت مستقل فرض می‌گردد. این رهیافت استقلال‌انگارانه روایت طوفان در تنخ با رویکرد خداشناسی تاویل‌گرا، قابل استدلال است، و روایت طوفان با عناصر تکرار شونده در تجربه زیسته جدید، دگردیس و باز تولید می‌شود.

هستی‌شناسی در تورات

روایت تورات از آفرینش (پیدایش، ۲/۱) بی‌شکلی، تاریکی و خالی بودن آن از عناصر تهو (تاریکی) و بهو (آب) از مولفه‌های اولیه آفرینش است. (کهن، ۵۷) باورمندان یهودی مساله آفرینندگی خدا را مسلم دانسته (کهن، ۵۴–۵۵) که براساس فرآیند زمانی ایجاد شده و آدمی در پایان فرآیند آفرینش قرار دارد.[۳] در این سامانه آدمی از خاک سرشته گشته و در

---

۱. ال شدای/ Elshdai، براساس روایت تنخ، ال شدای خدایی است که بر ابراهیم، اسحاق و یعقوب خود را آشکار کرد. (خروج، ۳/۶) در زبان انگلیسی «ال شدای» غالبا در معنای قادر متعال/ God Almighty ترجمه شده است. در ترجمه یونانی کتاب مقدس «شدای» مترادف پانتوکراتور/ Pantokrator به معنی قادر به کار رفته است. (Haistin, 335)

۲. یهوه (YHWH)، تتراگراماتون (Tetragrammaton) و از واژه عبری از مصدربودن یا از «اهیه اشر اهیه» (خروج، ۱۴/۳) «به معنای هست آن که هستم» بیش از ۶۰۰۰ بار در تورات به کار رفته و تلفظ اصلی آن مشخص نیست. (المسیری، ۵۱/۱) در سنت یهودی به زبان آوردن این نام تابو است و گناهی بزرگ تلقی می‌شود. (لاویان، ۱۵/۲۴–۱۶ و حزقیال، ۸/۴۳).

۳. تورات پس از آفرینش شب و روز به آفرینش آسمان می‌پردازد. (پیدایش، ۶/۱–۸ و۱۴–۱۹) خلقت زمین و موجودات زنده در دریاها و پرندگان (همانجا، ۲۳/۱) در روز ششم آفرینش، انبوه چارپایان و خزندگان به دستور خداوند در زمین می‌باشد. (همانجا، ۲۴/۱–۲۵) در پایان این روز خداوند انسان را می‌آفریند. (همانجا، ۲۶/۱–۳۰).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.9.0]

بینی وی روح حیات دمیده شده (پیدایش، ۸/۲) و به صورت خدا صورت‌گری شده است. (پیدایش، ۲۶/۱-۲۷) عنصر خداگونگی و جاودان زیستی با یک دگردیسی در تورات باز خوانی شد. خداوند به موسی گفت: به همه جماعات اسرائیلی بگو، شما مقدس خواهید شد، چون من خدای شما مقدس هستم. (لاویان، ۱/۱۹-۲) واژه مقدس[1] بازگوکننده آن کیفیت بنیادی متمایزکننده خدا از انسان است که در مرحله آغازین آفرینش در تورات - روایت درخت ممنوعه- تابو و غیرقابل دسترسی می‌نمود در این عبارت- انسان مقدس می‌شود- گامی در جهت پیشرفت انسان است. (فروم، ۷۰-۷۱) طریق پیمایش این همانندی به خدا، عمل به دستورات خدا و سخنان پیامبران است. (همانجا، ۷۱).

زیرپا گذاشتن این قوانین به معنی انکار خداست. عدالت نوح (پیدایش، ۹/۶-۱۰) و کامل بودن وی در عصر خود، و راه رفتنش با خدا شاید اشاره به خداگونگی‌اش به خاطر سرسپردگی و فرمانبرداری وی از خدا باشد که باعث شد وی و خاندانش از باشندگان (نجات یافتگان) طوفان باشند.

دلیل طوفان درروایت طوفان تورات، خشم خدا در عمل‌کرد غولانی[2]- پسران بنی الوهیم- بیان شده است که در اثر آمیزش پسران خدا با دختران آدمیان پدید آمدند. (پیدایش، ۴/۱)

روایت طوفان در رهیافت قرآن کریم

روایت‌گری قرآن از داستان طوفان از جهت فراوانی پراکنده و در ۲۹ سوره که عمده روایت در سوره‌های نوح، اعراف، هود، مومنون، شعراء، قمر و نوح آمده است. قرآن‌کریم این روایت را «*انباء الغیب نوحیها*»[3] از جهان غیب دانسته و کسی پیش از آن از این روایت آگاهی نداشت. به نظر می‌رسد جدا از گمانه‌زنی‌های مفسرانه[4]، می‌توان روایت طوفان قرآن

---

1. Hadosh

۲. عبارات پسران خدا ـ بنی‌الوهیم ـ در نوع رهیافت به خدا قابل دریافت است. رهیافت استعاره‌ای و تاویل‌گرایانه این عبارت مبتنی بر بنیادگرایی پسا تدوین تنخ می‌باشد. (ابن میمون، ۱۴۵/۵۹ و هری ولفسن، ۱۰۷-۱۰۹) مفهوم پسران خدا در مواردی به عنوان موجودات ماورایی، گاهی محبت خدا به بنی اسرائیل و یا افراد پارسا، و نیز در مواردی به پادشاه بنی‌اسرائیل (داود و خاندان وی) استعمال شده است (توفیقی، ۷۴).

۳. «تلک من انباء الغیب نوحیها الیک ما کنت تعلمها انت و لا قومک من قبل هذا فاصبر إن العاقبه للمتقین» (هود، ۴۹)

۴. گمانه‌های مفسرانه، قید «من قبل هذا» را اشاره به عدم آگاهی نو مسلمانان از روایت طوفان دانسته‌اند. (مقاتل←

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.9.0]

را در گفتمان خداشناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی نوین، اخبار غیب دانست.

خداشناسی قرآن با محوریت توحیدی (الاخلاص، ۱؛ یوسف، ۱۱۰؛ الانبیا، ۸، فصلت، ۶) و متناسب با هدایت‌گری و نوع ارتباط با انسان بازخوانی می‌شود. (البقره، ۲) بر این اساس سخن با شناخت انسان آغاز می‌گردد و روی آوری به خدا به مقتضای آفرینش آدمی و فطری معرفی شده است. (الروم، ۳۰) در این نظام توحیدی (البقره، ۱۶۳، الزخرف، ۴۸) آفرینش و تدبیر هستی از خداست (الاعراف، ۵۴) وجود خدا ذاتا ضرورت دارد و همه موجودات وجود شان از اوست. (فاطر، ۱۵) این شکل گفتمانی در بافتاری شرک‌آمیز و ابهامی از شأن الوهی تکون یافت[۱] و تلاش کرد تا با بهسازی و بازسازی، نظامی نوینی را در تمام حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایجاد کند. گرچه درک واقعیت عینی دوران کهن/ پیشا اسلام، از جهت بودگی، به دلیل کمبود منابع نوشتاری کمتر در معرض اندیشگی قرار دارد، اما با بهره‌مندی از قرآن کریم و نوشتار روایی پسا اسلامی می‌توان به‌طور حداقلی گمانه‌زنی کرد. بر این اساس حوزه تصوری مفاهیم در پیشا اسلام میدان معنی شناختی را بر محور مرکزی قبیله استوار است و همه مفاهیم همبسته با آن کانون مرکزی خوانش می‌گردد. (ایزوتسو، ۱۰۸-۱۴۸) البته نقص‌های معرفتی و محدودیت دانشی نظام جاهلی درباره انسان و طبیعت باعث روی آری به گستره خیال شد که با ناتوانی در بازشناسی هستی الهی و طبیعت انسانی، عواطف و احساسات انسانی را با

← بن سلیمان، ۲۸۵/۲؛ سیوطی، ۳۳۷/۳؛ طوسی، ۴۴۹/۵ و طبری، ۳۵/۱۲) عده‌ای انگاره تحریف کتابهای پیشینیان را دلیل بر عدم اطلاع مسلمانان از داستان طوفان تلقی کردند. (علامه طباطبایی، ۲۴۱/۱۰؛ مکارم شیرازی، ۱۲۴/۹؛ خطیب، ۱۱۵۱/۶) بعضی دیگر، پنداره آگاهی اجمالی از داستان طوفان را در بین امت نومسلمان می‌پذیرند ولی اطلاع تفصیلی را بر عهده قرآن‌کریم می‌گذارند. (اندلسی، ابوحیان، ۱۶۵/۶-۱۶۶؛ فخررازی، ۳۶۲/۱۸؛ رشیدرضا، ۷۴/۱۲ و آلوسی، ۶ /۲۷۲).

۱. قرآن‌کریم رهیافت وجودشناختی خدا بت پرستان را به چالش می‌کشاند (لقمان، ۲۵) که بت‌پرستان، بتان را آفریننده نمی‌دانستند بلکه به مخلوق بودن آنان معترف بودند، و آفرینندگی را به الله نسبت می‌دادند. (مومنون، ۸۴-۸۵) و با ملامت مشرکان که نمی‌توانند یا نمی‌خواهند با وجود دانش به وجود الله عدم اطلاع مسلمانان از داستان طوفان تلقی کردند. (علامه طباطبایی، ۲۴۱/۱۰؛ مکارم شیرازی، ۱۲۴/۹؛ خطیب، ۱۱۵۱/۶) بعضی دیگر، پنداره آگاهی اجمالی از داستان طوفان را در بین امت نومسلمان می‌پذیرند ولی اطلاع تفصیلی را بر عهده قرآن کریم می‌گذارند. (اندلسی، ۱۶۵/۶-۱۶۶؛ فخررازی، ۳۶۲/۱۸؛ رشیدرضا، ۷۴/۱۲ و آلوسی، ۶ /۲۷۲).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.9.0]

فرافکنی ناروا به خدا نسبت می‌داد.[۱] قرآن کریم با زدودن پرده‌های اساطیری با طراحی الگویی نوین، مفهوم روشنی از خدا ارائه نمود. هستی‌شناسی قرآن در نحوه آفرینش هستی و مدت آن (یونس، ۵۴؛ هود، ۷؛ السجده، ۴؛ الاعراف، ۵۴؛ ق، ۳۸) که در پی آماده سازی آن، انسان آفریده می‌شود. (الاعراف، ۱۶۳؛ البقره، ۲۹؛ الجاثیه، ۱۳)

انسان‌شناسی قرآن در حوزه خاستگاهی، به چگونگی آفرینش انسان، سرشتی به حال آدمی در سه شاخه؛ واقعیت، ارزش‌ها و تکالیف و سرنوشتی به آینده انسان می‌پردازد.[۲] قرآن‌کریم با طراحی نظام گفتمانی نوین، آدمیان را با سرشت و طبیعت خاصی بازشناسی می‌کند. سرشتی که، مقتضای آفرینش انسان است و همه افراد انسانی پیوسته، بدون لحاظ زمان و مکان از آن برخوردارند. (الاحزاب، ۷۲) این سرشت هرچند دارای شدت و ضعف است اما تبدیل و تحویل در آن راه ندارد. (الاسراء، ۷۰) بنابراین انسان موجودی است با سرشت الهی که خداوند از روحش در او دمید و به دستگاه شناختی و ادراک مجهز گشته تا به شناخت هستی بپردازد. (السجده، ۹-۱۱؛ البقره، ۳۰؛ الروم، ۳۰؛ الاعراف، ۱۷۲) اما در این الگوی نوین، سویه سرنوشتی آدمی، با مولفه اراده خداوند در هستی به طور حداکثری گره می‌خورد. آفرینش و بودگی آدمی هر لحظه در پیوند با تدبیر الهی است، و نقش حداکثری دهر، در این نظام بی‌اعتبار می‌شود. (الانعام، ۲ و الانبیا، ۳۴-۳۶ و ۷۸-۸۰)

در این نظام گفتمانی، قهرمان طوفان در روایت قرآن از برگزیدگی، رسالت الهی (آل‌عمران، ۳۳؛ المومنون، ۲۳؛ الاعراف، ۵۹) هدایت شدگی و بخشش خداوندی برخوردار است. (الانعام، ۸۴) خداوند به شأن و جایگاه نوح سلام می‌کند (الصافات، ۷۹) وی را از بندگان شکرگزار پیوسته خداوند معرفی می‌کند. در سوره اسراء، آیه ۳ قرآن کریم خطاب به بنی‌اسرائیل آنان را فرزندان نوح می‌دانند و درخواستش از جانب خداوند، اجابت می‌شود (الانبیا، ۷۶) و دعایش را مستجاب گردانیدیم. خداوند نوح و خاندانش را از درد و

---

۱. دین‌شناسی عرب جاهلی با رهیافت تاریخی (ولوی، ۹۰، جواد علی، ۱۱۵/۶-۱۱۶).

۲. انسان در الگوی جاهلی در مرکز جهان‌بینی آن بود؛ اما این مرکزیت آدمی با لحاظ وجودشناسی خاستگاهی مبهم، سرشتی مبتنی بر قبیله و سرنوشتی که با دهر معنادار می شد. (ایزوتسو، ۱۶۱-۱۶۳)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.9.0]

رنج شدید ناشی از انجام رسالتش نجات داد. (القمر، ۹-۱۰) از افتخارات نوح در نظام روایی قرآن، دارا بودن فرزندان و نسل شایسته می‌باشد که از بازماندگان در زمین می‌باشند. (الصافات، ۷۷) و خود وی مورد عنایت خداوند و از عمر طولانی برخودار بود (العنکبوت، ۱۴) دعوت‌گری نوح به توحید و پرستش خدای یگانه بوده و قومش مردمی بت‌پرست و شرک پیشه بودند. (الاعراف، ۵۹؛ نوح، ۲۳)

بنابراین بر آن‌چه بیان شد روایت طوفان قرآن کریم در شبکه‌ای از افکار، احساسات و عواطف، باورها، خواسته‌ها، ساحات گفتاری، رفتاری محیط خاص و در حوزه معرفتی و ارزشی با کنش‌گری و کنش‌پذیری ویژه با زاویه دید دانای کل (خدا) روایت شده، که منحصر به فرد، مستقل و در نسبت به متون پیشنی واگراست. از سویه دیگر گفتمان برگرفتگی و اقتباس به‌طورکلی هم در روش نقد تاریخی- در درون گفتمان خود- به نارسایی دچارند، هم از منظر ادبی در نشان دادن دگردیسی (تغییرات) یا عناصر مورد ادعا در فرایند وام‌گیری توانایی و کارآمدی لازم را ندارند و از سوی دیگر، وقتی از اخذ و اقتباس مفاهیم دینی سخن گفته می‌شود، با ایدئولوژی تجربه دینی پساسنتی غرب، اساسا این مقوله نادیده گرفته می‌شود؛ که آفریننده متن ممکن است برای بیرون کردن تجربه دینی، مشاهدات باطنی خود، تعابیر مشابه یا نسبتا مشابهتی را به کار برند و آشکار است که هر صاحب تجربه‌ای در مرحله تعبیرات (به عبارت درآوردن) ناچار است از عناصر بیانی موجود و متداول در عرصه زبان معاصر خود که تا حدی قابلیت انتقال فهم مخاطب را داشته است بهره بگیرد و از این رهگذر وجود شباهت لزوما دلیل بر اخذ و اقتباس نیست.

نتایج مقاله

۱- هرمنوتیک فرآورده انسان مدرن، در آغاز به عنوان روش‌شناختی فهم در متن مقدس و در محدوده تفسیر مطرح شد و در چارچوب رشته‌ای که هدف آن بر مبنای آن‌چه متن می‌خواهد بگوید، به فهم متن راه یافت، که سرشت آن بر پایه نیت نهفته در متن استوار بود. مولفه‌های انگاره هرمنوتیک مولف محورانه، عبارتند از: تعیین بخشی معنا، وابستگی

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.9.0]

معنا به آفریننده متن، نقش بی‌بدیل مولف در تولید متن، کاربست تجربه زیسته مولف در آفرینش متن، فهم و تفسیرمتن همبسته با بازخوانی و شناخت مولف در حالات روان‌شناسی و جامعه‌شناختی (عوامل و عناصر حاکم بر کنش اندیشیدن) که در ادامه خود فهم با رهیافت فلسفی پی‌گیری شد.

۲- روایت طوفان با رویکرد هرمنوتیکی مولف بنیاد در سه روایت میان رودانی، عهدینی و قرآنی با پیش انگاره خداشناسی، هستی شناسی و انسان شناسی خوانش گردید. در این انگاره رویدادها، نهادها و شخصیت‌های روایت را یکسره مستقل می‌نمایاند.

۳- روایت طوفان میان رودانی با بهره‌مندی از نظام گفتمانی اسطوره‌ای و عهدین با هویتی نیمه اسطوره‌ای روایت طوفان را در پیوند با ایدئولوژی خاص خود، خوانش‌گری نمودند.

۴- قرآن کریم با رهیافت خداشناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی نوین و ویژه خود به بازخوانی روایت طوفان پرداخته است. چنین رهیافتی به انضمام زبان شناختی ویژه قرآن کریم، روایت طوفان را منحصر به فرد نموده، و آن در نسبت به روایات پیشینی واگرا و مستقل جلوه می‌دهد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.9.0]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم

۲. ابن میمون، موسی، دلاله الحائرین، تحقیق حسین آتای، اسلامبول، مطبعه جامعه آلقره، ۱۹۷۳م.

۳. اخوت، احمد، دستور زبان داستان، اصفهان، نشر فردا، ۱۳۷۱ش.

۴. اسمیت، جرج، حماسه گیلگمش، ترجمه آلمانی، گئورگ بوکهارت، مترجم فارسی داود منشی‌زاده، تهران، اختران، ۱۳۸۲ش.

۵. البرزی، پرویز، منصوری مسعود، «جستاری در کلان متن قرآن کریم براساس باز تعریف بینامتنیت»، پژوهشنامه معارف قرآنی، سال سوم، شمارگان ۱۰، صص ۶۱-۷۶، ۱۳۹۳،

۶. اندلسی، ابوحیان، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۰ق.

۷. ایزوتسو، توشیهیکو، مفاهیم اخلاقی- دینی در قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، نشر فرزان روز، ۱۳۹۴ش.

۸. همو، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ش.

۹. بارت، رولان، مرگ مولف، ترجمه فرزان سجودی، تهران، انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۸ش.

۱۰. تیلش، پل، الهیات فرهنگ، ترجمه مراد فرهادپور و فضل الله پاکزاد، تهران، طرح نو، ۱۳۷۶ش.

۱۱. پالمر، ر، علم هرمنوتیک، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، تهران، هرمس، ۱۳۷۷ش.

۱۲. پروین، جلیل و دیگران. «تحلیل تطبیقی طوفان نوح در تورات و قرآن»، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، سال۷، شمارگان ۱. پاییز و زمستان. صص ۵۹-۷۴، ۱۳۹۷ش.

۱۳. حری، ابوالفضل، «احسن القصص رویکرد روایت‌شناختی به قصص قرآنی»، نامه ادبی، سال اول، شمارگان ۲، صص؛ ۸۳- ۱۲۲، ۱۳۸۷.

۱۴. خطیب، عبدالکریم، التفسیر آلقرآنی للقرآن، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۴ق.

۱۵. جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت، دارالمعلم للملایین، ۱۹۷۸م.

۱۶. جلالی شیخانی، جمشید، «طوفان نوح در اسطوره‌های سومریو بابلی و مقایسه آن با تورات و قرآن»، معرفت، دوره پیاپی ۲۴۹، شمارگان ۶. صص ۳۹-۴۷، ۱۳۹۷ش.

۱۷. دیلتای، ویلهلم، دانش هرمنوتیک و مطالعه تاریخ، ترجمه منوچهر صانعی دره بندی، تهران: ققنوس، ۱۳۹۱ش.

۱۸. رشیدرضا، محمد، تفسیر المنار، بیروت، دارالمعرفه، بی‌تا.

۱۹. ساندرز، ن، ک، بهشت و دوزخ در اساطیر بین النهرین، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران، چشمه، ۱۳۷۳ش.

۲۰. سیدی، سیدحسن، تغییر معنایی در واژگان قرآن و بررسی بینامتنی قرآن با شعر جاهلی، پژوهشهای قرآنی، شمارگان۷۴، بهار، صص ۳۰-۴۹، ۱۳۹۴ش.

۲۱. سیوطی، جلال‌الدین، الدرالمنثورفی التفسیرالماثور، قم، کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.

۲۲. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی التفسیرالقرآن، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ق.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.9.0]

۲۳. شایگان، داریوش، بت‌های ذهنی و خاطره، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۱ش.
۲۴. طبری، ابوجعفر، جامع البیان فی تفسیرالقرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
۲۵. طوسی، محمدبن‌حسن، التبیان فی التفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۲۶. غیاثی، مهدی، سیمای تاویل در آئینه بینامتنیت کریستوا، نشریه حکمت و فلسفه، سال ۹، شمارگان۳، صص ۹۷-۱۱۴، ۱۳۹۲ش.
۲۷. فخررازی، محمدبن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۲۸. فروم، اریک، همانند خدایان خواهید شد، ترجمه نادر پور خلخالی، تهران، نشر گلپونه، ۱۳۷۷ش.
۲۹. فضیلت، محمود، معناشناسی و معانی در زبان و ادبیات، کرمانشاه، دانشگاه رازی، ۱۳۸۵ش.
۳۰. فکوهی، ناصر، تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان شناسی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۶ش.
۳۱. کاربای، آنتونی، درآمدی بر هرمنوتیک، نیچه ودیگران، گزینه جستارها، ترجمه بابک احمدی و دیگران، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۷ش.
۳۲. کالر، جاناتان، نظریه ادبی، ترجمه *فرزانه طاهری*، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۲ش.
۳۳. کتاب مقدس، عهد عتیق و عهد جدید، ویلیام گلن و هنری مرتن، ترجمه فاضل خان همدانی، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷ش.
۳۴. کورنز هوی، دیوید، حلقه انتقادی، ترجمه *مراد فرهاد* پور، تهران، انتشارات گیل، ۱۳۷۱ش.
۳۵. کهن، ابراهام، گنجینه‌ای از تلمود، ترجمه امیر فریدون گرگانی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۲ش.
۳۶. گروندن، ژان، درآمدی بر علم هرمنوتیک فلسفی، ترجمه سعید حنایی کاشانی، تهران، انتشارات مینوی خرد، ۱۳۹۱ش.
۳۷. المسیری، عبد اوهاب، دایره المعارف یهود، یهودیت و صهیونیزم، ترجمه موسسه مطالعات و پژوهش‌های تاریخ خاورمیانه، تهران: دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه، ۱۳۸۳ش.
۳۸. مارتین، والاس، نظریه‌های روایت، ترجمه محمد شهبا، تهران، هرمس، ۱۳۸۲ش.
۳۹. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت، داراحیا التراث، ۱۴۲۴ق.
۴۰. مک کال، هنریتا، اسطوره‌های بین النهرینی، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۵ش.
۴۱. مک گراث، آلستر، درسنامه الهیات مسیحی، مترجم بهروز حدادی، تهران، نشر دانشگاه ادیان، ۱۳۹۲ش.
۴۲. موسی‌پور، ابراهیم. «بایسته‌های متن تجهیز شده». نشریه مطالعات اسلامی، شمارگان۷۱، ۱۳۸۵ش.
۴۳. نبتون وکرایپ، فلسفه علوم اجتماعی، ترجمه شهناز مسمی‌پرست و محمود متحد، تهران، نشر آگه، ۱۳۸۴ش.
۴۴. نیوتن، ک، هرمنوتیک، ترجمه یوسف اباذری، فصلنامه ارغنون، شمارگان ۴، ۱۳۷۳ش.
۴۵. واعظی، احمد، در آمدی بر هرمنوتیک، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۰ش.
۴۶. ولفسن، هری اوسترین، فلسفه علم کلام، ترجمه احمد آرام، تهران، الهدی، ۱۳۶۸ش.
۴۷. وکیلی، شروین، اسطوره آفرینش بابلی (همراه متن انوما الیش)، ترجمه آزاده دهقان، تهران، نشر علم، ۱۳۹۳ش.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.9.0]

۴۸. ولوی، علی محمد، «شرک و توحید قبیله‌ای در جاهلیت»، کیهان فرهنگی، شماره ۱۰۰، ۱۳۷۲ش.

۴۹. همامی، عباس، «بررسی تطبیقی داستان نوح تا شروع طوفان در قرآن و سفر پیدایش»، پژوهش دینی، ش ۱۳. صص ۵۱-۶۰، ۱۳۸۵ش.

۵۰. هنری هوک، ساموئل، اساطیر خاورمیانه، ترجمه علی‌اصغر بهرامی و فرنگیس مزداپور، تهران، روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۷۲ش.

۵۱. هوشنگی، لیلا و دیگران، درباره یهود (بنی‌اسرائیل، تورات، تلموت)، تهران، نشر مرجع، ۱۳۹۱ش.

52. Barthes, R, (1977). The Death of the Author, in Image – music-text, trans Richard Haword, new York; Hill and wang.
53. Haistin, GS (jaims), (1963), Dictionary of the Bible, Edinburg .
54. Hartman, Louis & D. s. Sperling,"God, names of", Ency clopedia Judaica, new York, 2007.
55. Schleier Macher, F, Hermeneutics and criticism and other writings; translated and edited by Andrew Bowie; first published, united kingdom, by Cambridge university press, 1998.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.9.0]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.9.0]
[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-13]